

آثار ادبی ایران زمین،  
گنجینه‌های ارزشمندی  
هستند که ارتباط نزدیکی با

### مقدمه

حکمت، فلسفه، فرهنگ و تعلیم و تربیت دارد. ادبیات ما، آینه تمام و کمال زندگی ما می‌باشد و ارتباط متقابل ادبیات و جامعه را می‌توان به وضوح در آن مطالعه کرد (زرین کوب، ۱۳۷۹). روان‌شناسی و جامعه‌شناسی ادبیات و ادبیات تعلیمی، شاخه‌های نورسته‌ای هستند که در ادبیات خودنمایی می‌کنند و رفتارهای انسان را از جنبه‌های گوناگون مورد بررسی قرار می‌دهند.

در ایران، بیشتر شاعران از جنس مرد بوده‌اند؛ بنابراین، پروین را می‌توان از نوادر روزگار به‌شمار آورد و جای بسی تعجب و شایسته هزاران تمجید و تحسین است. پروین، این بزرگ بانوی شاعر معاصر، در ۲۵ اسفند ۱۲۸۵ پا به عرصه حیات نهاد و در نیمه فروردین ماه ۱۳۳۰، در سی و چهارسالگی در تهران درگذشت. او تلاش کرده است آموزه‌های تربیتی و مسائل اجتماعی را به شیوه پسنیدیده «سؤال و جواب» یا «مناظره» مورد بحث قرار دهد و به اصلاح امور اجتماعی بپردازد. هنر متعالی پروین را می‌توان در قطعه‌های «چشم و مژگان»، «دام و دانه»، «مور و مار»، «سوزن و پیرهن»، «مرغ و ماهی»، «ابرو باران»، «دید و دل»، «مست و هشیار» و نظیر آنها ملاحظه کرد. او همچنین تلاش کرده است از خانواده و جایگاه آن غافل نباشد و مناسبات خانوادگی را مورد توجه قرار دهد. پروین از یک سو تحت تأثیر حس زنانگی خود و از سوی دیگر، تحت تأثیر فرهنگ عصر خویش قرار گرفته و در عین حال، فرهنگ زمانه خود را به شدت مورد انتقاد قرار داده و به آن طعنه زده است. در این مقاله به اختصار به برخی از اصول و آموزه‌های تربیتی در دیوان او پرداخته شده است.



بانو رخشنده  
اعتصامی، مشهور  
به «پروین  
اعتصامی»، دختر  
یوسف اعتصامی  
الملک آشتیانی،  
از شاعران نامی  
و بی‌بدیل ایران  
محسوب می‌شود  
که در سال ۱۲۸۵  
در خانواده‌ای  
مذهبی در تبریز  
پا به عرصه حیات  
گذاشته است



## اصول و آموزه‌های تربیتی در اشعار پروین اعتصامی

دکتر احمد به‌پژوه

استاد روان‌شناسی دانشگاه تهران

### چکیده

بانو رخشنده اعتصامی، مشهور به «پروین اعتصامی»، دختر یوسف اعتصامی الملک آشتیانی، از شاعران نامی و بی‌بدیل ایران محسوب می‌شود که در سال ۱۲۸۵ در خانواده‌ای مذهبی در تبریز پا به عرصه حیات گذاشته است. پروین، شاعر نامدار، اخلاق‌مدار و آرمان‌خواه ایران، بارها در دیوان اشعار خود، آموزه‌های تربیتی و اخلاقی را در قالب شعر و مناظره با زبانی ساده و پندآموز مورد بحث قرار داده است. این بانوی شاعر در نقش یک مربی بزرگ، اصول تربیتی و اخلاقی را در شعرهای خود به نمایش گذاشته و به ارتباط فرزند با والدین اشاره کرده و در بیان تعامل اعضای خانواده از شیوه‌های گوناگون، به‌طور هنرمندانه استفاده کرده است. تشبیه، تمثیل، حکایت‌پردازی و مناظره از شگردهای او هستند. از نظر پروین، زن، به‌ویژه مادر، از نقش پررنگ‌تر و جایگاه والاتری نسبت به اعضای دیگر خانواده برخوردار می‌باشد. مقاله حاضر به روش توصیفی-تحلیلی به بررسی اصول و آموزه‌های تربیتی در شعر پروین اعتصامی پرداخته است.



### ← جایگاه و نقش مادر

پروین در قطعه‌های متعدد، مهر و عطوفت مادری و لطافت روح خود را از زبان پرندگان و از زبان مادران بیان می‌کند. برای نمونه، او در قطعه «لطف حق»، به زیباترین وجه، به وظایف و نگرانی‌های مادر پرداخته است:

مادر موسی، چو موسی را به نیل  
در فکند، از گفته رب جلیل  
خود ز ساحل کرد با حسرت نگاه  
گفت کای فرزند خُرد بی گناه  
گر فراموشت کند لطف خدای  
چون رهی زین کشتی بی ناخدای  
در تو، تنها عشق و مهر مادری است  
شیوه ما، عدل و بنده پروری است  
ما به دریا حکم طوفان می‌دهیم  
ما، به سیل و موج فرمان می‌دهیم  
قطره‌ای کز جویباری می‌رود  
از پی انجام کاری می‌رود  
میهمان ماست، هر کس بینواست  
آشنا با ماست، چون بی آشناست  
(قطعه لطف حق، ص ۲۳۶)

پستی نسوان ایران، جمله از بی‌دانشی است  
مرد یا زن، برتری و ژتبت از دانستن است  
از چه نسوان از حقوق خویشتن بی‌بهره‌اند  
نام این قوم از چه، دور افتاده از هر دفتری  
دامن مادر، نخست آموزگار کودک است  
طفل دانشور، کجا پرورده نادان مادری  
(قطعه نهال آرزو، ص ۲۶۱)

### ← جایگاه و نقش زن و مرد در خانواده

پروین، در قطعه «فرشته انس» (ص ۱۸۷)، زن را رکن خانه هستی و قلب تپنده خانواده می‌داند و او را مظهر عشق و دوستی و مهربانی معرفی می‌کند و برای زن و مرد، نقش‌های متعددی قائل است. گفتنی است که در دیوان پروین، زن نقش پررنگ‌تری دارد و مادر از جایگاهی رفیع برخوردار می‌باشد. این بانوی هنرمند بر این باور است که زنان و مردان موفق، همه در کودکی، مادران بزرگی داشته‌اند:

در آن سرای که زن نیست، انس و شفقت نیست  
در آن وجود که دل مُرد، مُرده است روان  
زن از نخست بود رکن خانه هستی  
که ساخت خانه بی‌پای‌بست و بی‌بنیان؟  
اگر فلاطن و سقراط، بوده‌اند بزرگ  
بزرگ بوده پرستار خُردی ایشان  
حدیث مهر، کجا خواند طفل بی‌مادر  
نظام و امن، کجا یافت مُلک بی‌سلطان  
وظیفه زن و مرد، ای حکیم، دانی چیست  
یکیست کشتی و آن دیگریست کشتیبان  
همیشه دختر امروز، مادر فرداست  
ز مادرست میسر بزرگی پسران  
زن نکوی، نه بانوی خانه تنها بود  
طیب بود و پرستار و شحنه و دربان  
به روزگار سلامت، رفیق و یار شفیق  
به روز سانحه، تیمار خوار و پشتیبان  
ز بیش و کم، زن دانا نکرد روی ترش  
به حرف زشت، نیالود نیک‌مرد، دهان  
زنی که گوهر تعلیم و تربیت نخرید  
فروخت گوهر عمر عزیز را ارزان



## ← اصل همسان‌گزینی در ازدواج

پروین، به علت عدم توجه به اصل همسان‌گزینی در ازدواج، در زندگی زناشویی با شکست مواجه شد و مدت زندگی مشترک او با پسرعموی پدرش، بیش از دو ماه‌ونیم نبود. درحالی‌که عموم کارشناسان بر اصل همسان‌گزینی در ازدواج تأکید می‌کنند، دلیل این ناکامی و شکست، عدم رعایت اصل کفویت بوده است. این اصل تأکید دارد که رعایت تناسب‌ها، موجب می‌شود زن و مرد به یکدیگر جذب و پیوندشان مستحکم شود. در مقابل، ناهمسانی‌ها میان زن و مرد، سرچشمه ستیزه‌های خانوادگی خواهد شد (به‌پژوه، ۱۳۹۴؛ ساروخانی، ۱۳۷۹). پروین، که خود زخم‌خورده عدم رعایت این اصل است، این موضوع را در قالب یک تمثیل در قطعه «عهد خونین» (ص ۱۸۳) که «باز شکاری» از «ماکیان» خواستگاری می‌کند، مطرح ساخته است. در این قطعه، اگرچه خواستگار (باز شکاری) از موقعیت خوبی برخوردار است و سخنان فریبنده‌ای می‌گوید، ماکیان به دلیل اینکه بین خود و باز شکاری تناسب نمی‌بیند، زیرکانه و قاطعانه پاسخ منفی می‌دهد:

به بام قلعه‌ای، باز شکاری  
 نمود از ماکیانی خواستگاری  
 که من ز آرایش ایام پاکم  
 ز تنهایی، بسی اندوه‌ناکم  
 پذیره‌گر شوی، خدمتگزاریم  
 هوای صحبت و پیوند داریم  
 بیا، هم عهد و هم سوگند باشیم  
 اگر آزاد و گر در بند باشیم  
 بگفتا: مغز را مگذار در پوست  
 نشد دشمن بدین افسانه‌ها دوست  
 خرابی‌هاست در این سست‌بنیان  
 به خون باید نوشت، این عهد و پیمان  
 مرا تا ضعف عادت شد، تو را زور  
 نخواهد بود این پیوند، مقدور  
 از این معنا سخن گفتن، تباهی است  
 چنین پیوند را پایان، سیاهی است  
 نه هم خوییم ما با هم، نه هم‌راز  
 نه انجام است این ره را، نه آغاز



## ← نقش پدر در تربیت پروین

یوسف اعتصامی که در یازدهم دی سال ۱۳۱۶ در تهران رخت از این جهان بربست، خود نویسنده توانایی بود و حضوری پررنگ در تربیت پروین داشته است. بررسی موشکافانه مرثیه پروین در مرگ پدر، در قطعه «در تعزیت پدر» (ص ۲۷۱) حاکی از آن است که رابطه عاطفی عمیقی میان این دختر و پدر وجود داشته و مرگ پدر، زندگی پروین را به سوگ و ماتمی دائمی تبدیل کرده است:

پدر، آن تیشه که بر خاک تو زد دست اجل  
 تیشه‌ای بود که شد باعث ویرانی من  
 یوسف نام نهادند و به گرگت دادند  
 مرگ، گرگ تو شد، ای یوسف کنعانی من  
 مه گردون ادب بودی و در خاک شدی  
 خاک، زندان تو گشت، ای مه زندانی من  
 آن که در زیر زمین، داد سر و سامانت  
 کاش می‌خورد غم بی‌سر و سامانی من  
 رفتی و روز مرا تیره‌تر از شب کردی  
 بی تو در ظلمتم، ای دیده نورانی من  
 بی تو اشک و غم و حسرت، همه مهمان منند  
 قدمی رنجه کن از مهر، به مهمانی من

شکیبایی؛ یعنی تحمل سختی‌ها و ناملایمت‌ها برای رسیدن به هدف و برخورد صبورانه با وضع ناخوشایند روزگار. برای نمونه، پروین انسان را در نخستین قصیده خود به صبوری و شکیبایی دعوت می‌کند:

**گنج قفس چون نیک بیندیشی  
چون گلشن است مرغ شکیبا را**  
(قصائد، ص ۳)

**پروین، به روز حادثه و سختی  
در کار بند، صبر و مدارا را**  
(همان، ص ۵)

**← اصل تأثیرپذیری انسان**  
پروین از تأثیرپذیری انسان غافل نیست و به گفته استاد سخن، سعدی که می‌گوید: خوبذیر است نفس انسانی، به‌طور ظریفی در شعر خود به این اصل مهم اشاره می‌کند:

**ای نیک، با بدان منشین هرگز  
خوش نیست، وصله، جامه دیبا را**  
(قصائد، ص ۴)

**نوگلی پژمرده از گلبن، به خاک افتاد و گفت  
خوار شد چون من هر آنکو هم‌نشینش بود خار**  
(همان، ص ۳۲)

**← اصل الگوبرداری**  
بی‌شک الگوبرداری، الگوپذیری، تقلید و همانندسازی از مهم‌ترین روش‌های یادگیری کودکان و نوجوانان به‌شمار می‌روند و مادر و پدر، چه بخواهند و چه نخواهند، زیر نظر فرزند یا فرزندان خود هستند. از این رو، پروین با دقت به این اصل مهم توجه دارد و به زیبایی در شعر زیر به آنها اشاره کرده است:

**ای آنکه راستی به من آموزی  
خود در ره کج، از چه نهی پا را  
آموزگار خلق شدیم، اما  
نشناختیم خود الف و با را**  
(قصائد، ص ۴)

## ← اصل دانایی و خردورزی

هیچ مادر و پدری خودبه‌خود نمی‌تواند مادر و پدر موفقی شود و فرزند یا فرزندان خود را به‌طور شایسته و مطلوب تربیت کند، مگر اینکه دانایی‌های لازم را کسب کند. از این رو، ادبیات تعلیمی، سرشار از عقل‌گرایی و خردمداری و زدودن جهل و تاریکی از چهره انسان‌هاست و پروین در مقام یک مربی در قصیده‌های خود به نقش علم و دانایی در زندگی پرداخته است. او حدود ۹۰ بار عقل و خرد را در شعرهایش ستوده و از آن یاد کرده است (بیگزاده و صفی‌زاده، ۱۳۹۴).

**علم است میوه، شاخه هستی را  
فضل است پایه، مقصد والا را**  
(قصائد، ص ۴)

**یکی کشتی از دانش و عزم باید  
چنین بحرِ پُر وحشت بیکران را**  
(همان، ص ۶)

**دیده بیندی و در افقی به چاه  
این گنه تُست، نه حکم قضاست**  
(همان، ص ۱۳)

**ورطه و سیلاب نداری به پیش  
تا خردت کشتی و جان ناخداست**  
(همان، ص ۱۴)

**بشناس فرق دوست ز دشمن به چشم عقل  
مفتون مشو که در پس هر چهره چهره‌هاست**  
(همان، ص ۱۶)

**دیوانگی است قصه تقدیر و بخت نیست  
از بام سرنگون شدن و گفتن این قضاست!**  
(همان، ص ۱۷)

**به معمار عقل و خرد، تیشه ده  
که تا خانه جهل ویران کنند**  
(همان، ص ۳۰)

**معماری عقل چون نپذیرفتی  
در مُلک تو جهل کرد حکمرانی**  
(همان، ص ۵۵)

## ← اصل صبر و مقاومت

در ادبیات تعلیمی منظوم و منثور، شاعران به شکل‌های گوناگون انسان را به صبر، بردباری و درنگ کردن دعوت کرده‌اند. صبر و

### ← اصل استفاده بهینه از وقت و مدیریت زمان

یکی از کلیدهای موفقیت، مدیریت زمان می‌باشد. مدیریت زمان عبارت است از استفاده بهینه از زمان و انجام کارها و امور زندگی به‌طور اثربخش و به‌موقع. بدون تردید، مدیریت موفقیت‌آمیز زمانی که در اختیار ما قرار دارد، تأثیر قابل‌ملاحظه‌ای بر کمیت و کیفیت زندگی ما خواهد داشت. از این‌رو، پروین در ارتباط با استفاده درست از وقت خود، در دیوان اشعار خود به شکل‌های گوناگون هشدار می‌دهد:

مخسب آسوده ای برنا، که اندر نوبت پیری  
به حسرت یاد خواهی کرد ایام جوانی را

(قصائد، ص ۷)

حاصل عمر تو افسوس شد و جرمان  
عیب خود را مکن ای دوست ز خود پنهان  
وقت، ضایع نکنند، هیچ هنربیشه  
جفتِ باطل نشود، هیچ حقیقت دان

(همان، ص ۴۷)

### ← اصل توجه به نیازمندان و یتیمان

پروین بارها در دیوان اشعار خود توجه به درد یتیمان و رسیدگی به نیاز نیازمندان را مورد تأکید قرار داده است؛ مانند قطعه «اشک یتیم»، قطعه «اندوه فقر»، قطعه «بهای نیکی»، قطعه «تهیدست» و قطعه «تیره بخت».

نباید تاخت بر بیچارگان روز توانایی  
به خاطر داشت باید روزگار ناتوانی را

(قصائد، ص ۸)

پروین، توانگران غم مسکین نمی‌خورند  
بیهوده‌اش مکوب که سر دست این حدید

(اندوه فقر، ص ۸۲)

دختری خُرد، شکایت سر کرد  
که مرا حادثه بی‌مادر کرد  
دیگری آمد و در خانه نشست  
صحبت از رسم و ره دیگر کرد  
موزه سُرخ مرا دور فکند  
جامه مادر من در بر کرد  
نزد من، دختر خود را بوسید



### ← اصل تلاش و سختکوشی

پروین در قطعه «مادر دوراندیش»، کودکان و مرغان را به کار و تلاش و تحمل سختی‌ها دعوت می‌کند:

با مرغان خویش، چنین گفت ماکیان  
کای کودکان خُرد، گه کار کردن است  
روزی طلب کنید که هر مرغ خُرد را  
اول وظیفه، رسم و ره دانه چیدن است  
بی‌رنج نوک و پا، نتوان چینه جست و خورد  
گر آب و دانه‌ایست، به خونابه خوردن است

(قصائد، ص ۲۳۹)

عقل و رأی و عزم و همت، گنج تست  
بهترین گنجور، سعی و رنج تست

(همان، ص ۱۲۵)

### ← اصل صداقت

مهم‌ترین اصل تأثیرگذار در تعلیم و تربیت فرزندان، اصل صداقت یا صادق بودن در گفتار و رفتار است. کودکان به آسانی به میزان صداقت مادر و پدر پی می‌برند و میزان اعتماد خود را بر پایه صداقت آنان تنظیم می‌کنند. از این‌رو، شاعره بزرگ ایران، در شعر خود به شکل‌های گوناگون، مادران و پدران را به صداقت و راستی دعوت می‌کند:

پاکی گزین که راستی و پاکی  
بر چرخ، بر فراشت، مسیحا را

(قصائد، ص ۴)

تا بُوَدت شمع حقیقت به دست  
راه تو هر جا که روی روشناست

(همان، ص ۱۱۳)

## سخن‌پای

براساس بررسی‌های انجام‌شده، پروین اعتصامی به نقش زن و مادر در خانواده اهمیت بیشتری می‌دهد و معتقد است خانواده، بی‌حضور زن، روح و نشاطی ندارد و مادر گام‌به‌گام به فرزندان الفبای زندگی را آموزش می‌دهد و آنان را برای ورود به جامعه آماده می‌کند. همچنین پروین با زبانی ساده و شیوا نگاه نقادانه و اصلاح‌گرانه دارد و با فریاد علیه نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌های زمانه و دعوت به آزادی خواهی، بر این باور است که آسیب‌های اجتماعی و فقر اقتصادی و فرهنگی حاکم در جامعه، معلول نبود شایسته‌سالاری و سیاست‌های ناکارآمد حاکمان هستند و ما را به تفکر و اندیشه دعوت می‌کند.

- اسعدی فیروزآبادی، مریم (۱۳۹۲)، خانواده و مناسبات خانوادگی در دیوان پروین اعتصامی، فصلنامه زن و فرهنگ، ۵، ۱۷، ۳۱-۴۰.
- به‌پژوه، احمد (۱۳۹۴)، ازدواج موفق و خانواده سالم، چگونه؟ تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان، چاپ چهارم.
- بیگ‌زاده، خلیل و صفی‌زاده، علی (۱۳۹۴)، بازنمایی اصول کلاسیسم و نئوکلاسیسم در شعر پروین اعتصامی، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، ۷، ۲۸، ۱۴۵-۱۶۴.
- پروین اعتصامی (۱۳۴۱)، دیوان قصائد و مثنویات و تمثیلات و مقطعات، تهران: سازمان مستقل چاپخانه دولتی ایران، چاپ پنجم.
- زرینکوب، حمید (۱۳۷۹)، نقد ادبی. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۹)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران: انتشارات سروش، چاپ سوم.
- کاکاوند قلعه‌نویی، فاطمه و نجار نویری، عفت (۱۳۹۶)، رویکرد بینامتنی در آموزه‌های تعلیمی پروین اعتصامی و مولوی، فصلنامه فنون ادبی، ۹، ۴، ۴۷-۵۶.

بوسه‌اش کارِ دو صد خنجر کرد  
عیب من گفت همی نزد پدر  
عیب جوییش، مرا مضطر کرد  
پدر از درد من، آگاه نشد  
هرچه او گفت ز من، باور کرد  
(تیره بخت، ص ۱۱۱)

### ← اصل عدالت خواهی و انتقاد به حکومت و حاکمان

خمیرمایه سروده‌های پروین، به‌ویژه در قطعه «مست و هشیار»، عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی است و به‌شدت حکومت و حاکمان زمان را مورد انتقاد قرار می‌دهد و به مظاهر فساد و گناه در جامعه اشاره می‌کند:

محتسب، مستی به ره دید و گریبانش گرفت  
مست گفت: ای دوست، این پیراهن است، افسار نیست  
گفت: مستی، زان سبب افتان‌وخیزان می‌روی  
گفت: جرم راه رفتن نیست، ره هموار نیست  
گفت: می‌باید تو را تا خانه قاضی برم  
گفت: رو صبح آی، قاضی نیمه‌شب بیدار نیست  
گفت: نزدیک است والی را سرای، آتجا شویم  
گفت: والی از کجا در خانه خمار نیست  
گفت: دیناری بده پنهان و خود را وارهان  
گفت: کار شرع، کار درهم و دینار نیست  
گفت: آگه نیستی کز سر در افتادت کلاه  
گفت: در سر عقل باید، بیکلاهی عار نیست  
گفت: باید حدّ زند هشیار مردم، مست را  
گفت: هشیاری بیار، اینجا کس هشیار نیست  
(قصائد، ص ۲۴۱)

دزد شد این شهنه بی‌نام و ننگ  
دزد، کی از دزد کند بازخواست  
(قصائد، ص ۱۴)

ما را به رخت و چوب شبانی فریفته است  
این گرگ سال‌هاست که با گله آشناست  
آن پارسا که ده خرد و ملک، رهزن است  
آن پادشاه که مال رعیت خورد، گداست  
(قطعه اشک یتیم، ص ۷۹)

# همه خوب‌ها مثل هم نیستند!

## هفت یادداشت کوتاه درباره زندگی و ارتباط مؤثر

ابراهیم اصلانی ← روان‌شناس تربیتی

### مقدمه

من سال‌هاست که می‌نویسم؛ چون اعتقاد دارم نوشتن به افکار آدم نظم می‌دهد. نوشته‌های من گاهی کوتاه هستند در حد یک یادداشت و به تعبیری، دل‌نوشته. دوست دارم نکته‌ای یادماند یا چیزی را به دیگران بگویم؛ و چه چیزی بهتر از نوشتن! می‌نویسم تا بدانم به چه چیزهایی می‌اندیشم و چه چیزهایی برای من مهم هستند. به شما هم توصیه می‌کنم بنویسید؛ یادداشت‌های کوتاه درباره رویدادها، خاطره‌ها، تجربه‌ها، فکرها و احساس خودتان. دو اتفاق خوب خواهد افتاد؛ اول اینکه، می‌توانید مسیر افکار خودتان را دنبال کنید. دوم اینکه، به مرور زمان متوجه می‌شوید چه تغییرهایی کرده‌اید. حالا شما را به خواندن هفت یادداشت کوتاه درباره زندگی، خودشناسی، تعامل با دیگران و ارتباط مؤثر دعوت می‌کنم.

## واژگان را باید شست!

در فرهنگ عامه، بعضی واژگان بار معنایی بدی پیدا کرده‌اند. می‌گویند «پایان شب سیه سفید است». واقعاً «شب» چه بدی دارد و چرا نشانه ظلمت است؟ چرا «سیاه» رنگ بدی و سیاهی نماد پلیدی است؟

به این واژگان هم بیندیشید، واژگانی مانند سرما، مرگ، دوری، ایستایی، شکست، رنج، سکوت و تنهایی. واژگان دیگری هم می‌توان به این مجموعه افزود و به طور حتم، چنین واژگانی بین افراد تفاوت‌هایی دارند. این تصور وارونه در مورد اسم افراد، حیوانات، گیاهان و چیزهای دیگر هم وجود دارند. سهراب سپهری در «هشت کتاب» و در شعر «صدای پای آب» اشاره زیبایی دارد: «من نمی‌دانم که چرا می‌گویند: اسب حیوان نجیبی است، کیوتر زیباست.

و چرا در قفس هیچ‌کسی کرکس نیست.

گل شبدر چه کم از لاله قرمز دارد.

چشم‌ها را باید شست، جور دیگر باید دید.

واژه‌ها را باید شست.»

شاید دقت نکنیم ولی در خزانه ذهنی هر کدام از ما ده‌ها و شاید صدها مورد از واژگانی باشند که به غلط تصور بدی درباره آنها داریم. ممکن است واژه‌هایی باشند که فکرها و خاطره‌های بدی را برای ما تداعی می‌کنند؛ اما حتی لابه‌لای چنین واژه‌هایی، واژگانی هستند که جایشان درست نیست.

بگردیم و ببینیم چه واژگانی را می‌توانیم در خزانه ذهن‌مان پیدا کنیم که باید شسته شوند!

گاهی بایست!

حرکت کن، برو، تلاش کن و...

خوب است که بی‌خاصیت، منفعل یا تنبل نباشی.

خوب است که فرصت‌های مناسب را از دست ندهی.

خوب است که هدف و آرمان و چشم‌انداز داشته باشی.

اما خوب است این را هم بدانی که گاهی باید بایستی!

وقتی خیلی در تکاپوی رفتن هستی شاید خیلی چیزها را نبینی. وقتی داری به راه و سرعت رفتن فکر می‌کنی شاید ندانسته خیلی چیزها را زیر پا بگذاری.

وقتی تصور می‌کنی نباید دست از تلاش برداری شاید در بیراهه افتاده‌ای و خبر نداری.

